

استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای در عقد بیمه بر اساس حقوق افغانستان

بشیر محمدی^۱

چکیده

مطابق اصل نسبی بودن قراردادهای، حقوق و تکالیف ناشی از عقد متوجه طرفین قرارداد و قایم مقام آنها بوده و نسبت به اشخاص ثالث اثری ندارد، اما بنابر ضرورت‌های ناشی از گسترش روابط اجتماعی، امروزه اصل نسبی بودن قراردادهای دارای استثنائات چندی از جمله، تعهد به نفع شخص ثالث شده است که به موجب آن آثار عقد متوجه اشخاص ثالث نیز می‌گردد، این نوع تعهد ممکن است در قالب عقود مختلفی صورت بگیرد که یکی از آنها عقد بیمه است. پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است، مصادق استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای را در عقد بیمه بر اساس حقوق افغانستان شناسایی و تبیین نموده است. براینکه این پژوهش این امر است که هر جا موضوع عقد بیمه، وفات شخص بیمه شده (در بیمه عمر) و یا مسئولیت در قبال جان یا مال اشخاص ثالث (در بیمه مسئولیت) باشد، در این صورت با وقوع حادثه‌ای بیمه‌کننده مکلف به پرداخت غرامت به اشخاصی غیر از بیمه‌گذار می‌باشد که اصلاً طرف قرارداد او نبوده است.

واژگان کلیدی: اصل نسبی بودن، استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای، بیمه عمر، بیمه مسئولیت، خطر، غرامت، بیمه‌گذار، بیمه‌گر.

^۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و دانش آموخته سطح چهار (ndhndh۱۳۵۴@gmail.com).

اصل نسبی بودن قراردادهای که بر اساس آن اثر قرارداد فقط متوجه طرفین و قایم مقام آنها می‌شود و نسبت به اشخاص ثالث نمی‌تواند اثری داشته باشد (صفایی، ۱۳۹۶، ص ۱۷۹)، امروزه از اطلاق خود افتاده و در قوانین کشورها دارای استثنائاتی مانند: تعهد به نفع شخص ثالث، معامله فضولی و قرارداد جمعی می‌باشد و هر کدام از این سه مورد زیر مجموعه‌های زیادی را شامل می‌گردد.

برای ایجاد تعهد به نفع شخص ثالث (که یکی از مهمترین استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای است)، باید دو نفر قرارداد و پیمانی ببندند و یکی از آن دو در برابر دیگری ملزم به دادن مال یا انجام دادن کاری به سود ثالث (کسی که طرف قرارداد نیست) شود؛ یعنی در نتیجه یک قرارداد، حقی به سود ثالث ایجاد گردد. ایجاد تعهد به سود ثالث نیاز به یک پایه قراردادی دارد و به طور مستقل (اراده‌ی متعهد) و از راه ایقاع ممکن نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۱۵). بنابراین یکی از عقود که طرفین قرارداد می‌توانند در آن به نفع شخص ثالث تعهد نمایند عقد بیمه است؛ زیرا عقد بیمه یک عمل حقوقی و ارادی است که با وجود و اراده دو طرف (بیمه‌گذار و بیمه‌گر) منعقد می‌شود و در این تحقیق به همین موضوع (بررسی استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای در عقد بیمه بر اساس حقوق افغانستان) پرداخته می‌شود.

برای توضیح موارد استثنای اصل نسبی بودن قراردادهای مباحث خود را در سه گفتار قرار می‌دهیم که در گفتار اول مباحث کلی، در گفتار دوم مباحث ضروری عقد بیمه و در گفتار سوم بررسی رابطه عقد بیمه با اصل نسبی بودن قراردادهای مورد بحث قرار داده می‌شود.

گفتار اول: کلیات

برای وارد شدن به اعماق هر موضوع ابتدا نیاز به شناخت مفهومی و تاریخی آن موضوع داریم، موضوع مورد بحث ما نیز بی‌نیاز از این مهم نیست، لذا در این گفتار ابتدا مفهوم عقد بیمه تعریف شده و سپس پیشینه آن در حقوق افغانستان تبیین می‌شود.

الف) مفهوم بیمه

بیمه از نظر عرف و لغت به معنای نگهداری و مصونیت در مقابل خطر و خسارت است (ناظم الاطباء، ۱۳۴۳، ج ۱، ص ۴۹۴؛ داعی الاسلام، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸۰۲). دهخدا بیمه را چنین معنی کرده است: «بیمه م (هندی) به

معنای ضمانت مخصوص از جان و مال که در تمدن جدید رواج یافته است» (دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل بیمه) و در اصطلاح، بیمه نوعی معامله و قرارداد است که تعهداتی را برای طرفین قرارداد الزامی می‌سازد؛ مانند تعهد پرداخت حق بیمه از جانب بیمه‌گذار و تعهد پرداخت خسارت یا مبلغی از ناحیه بیمه‌گر (قریب، ۱۳۷۲، ص ۱۹۴).

قانون بیمه افغانستان، مصوب سال ۱۳۸۷ در ماده سوم خود بیمه را این گونه تعریف نموده است: «بیمه عقدی است میان بیمه کننده و بیمه شونده که طور کتبی صورت گرفته و به موجب آن بیمه کننده در مقابل اخذ حق الیمه معین، جبران خساره طرف مقابل را متعهد می‌گردد.» تعریف فوق دارای این ایراد است که در آن جمله‌ای «جبران خساره طرف مقابل را متعهد می‌گردد» آورده شده، که این جمله ظاهراً فقط جبران خساره بیمه‌گذار را دربر می‌گیرد و شخص ثالث را شامل نمی‌شود. در حالی که تعریفی را که قانون مدنی افغانستان از عقد بیمه ارائه کرده است این ایراد را ندارد، در بند ۱ ماده ۱۶۴۴ چنین آمده است: «بیمه، عقدیست که به موجب آن بیمه کننده به تأدیه یک مقدار پول یا عاید مرتب و یا به تعویض مالی دیگر در حالت وقوع حادثه یا خطر که در مقابله تعیین گردیده، به بیمه شونده یا شخصی که بیمه به نفع وی شرط شده، در بدل مبلغی که یکبارگی یا به اقساط می‌پردازد، تعهد می‌نماید». چنانکه دیده می‌شود در این تعریف به صراحت تعهد بیمه کننده را در قبال «بیمه شونده یا شخصی که بیمه به نفع وی شرط شده» دانسته است و مطابق این تعریف، آثار عقد نه تنها متوجه بیمه کننده و بیمه شونده می‌باشد بلکه متوجه شخصی نیز می‌باشد که هیچ نسبتی با قرارداد ندارد اما بیمه به نفع وی شرط شده است و به جا بود که در قانون بیمه نیز این مورد آورده می‌شد، هرچند قانون بیمه نیز در مواد بعدی خود نسبت تأثیر عقد بیمه به افراد ثالث نیز پرداخته است که بعداً به آن اشاره می‌شود، ولی خوب بود این مطلب مهم را در تعریف بیمه نیز می‌آورد.

ب) تاریخچه بیمه در حقوق افغانستان

پیدایش بیمه در دنیا، با توجه به متون تاریخی، بیمه در قرون وسطی حدود سال ۱۴۹۸ میلادی از تجمع بازرگانان و دریانوردان انگلیسی در قهوه خانه معروف لویدز لندن برای مبادله اطلاعات و معاملات شکل گرفته است و با ما شینیسیم شدن جهان در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی، دگرگونی‌های زیادی از جهات مختلف در جهان بوجود آمد، که از جمله‌ای آنها ایجاد شدن انواع گوناگون بیمه در مقابل خطرات ناشی از وضعیت‌های امروزی می‌باشد (مدنی کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۱۳-۱۴). اما پیدایش بیمه را در افغانستان می‌توان از سال ۱۳۳۶ هـ.ش دانست؛ چونکه بیمه اولین بار در سال ۱۳۳۶ هـ.ش وارد اصول نامه تجارت افغانستان گردید و در آن بطور کلی عملیات

بیمه شناخته شد. فصل سیزدهم اصولنامه که حاوی مواد ۸۶۶ الی ۹۴۱ می باشد به بیمه اختصاص یافته است. در این اصولنامه بیمه اموال، حریق، ترانسپورت، حیات، حوادث، زراعت و بیمه سرقت پیش بینی شده است. دومین قانون که بطور خاص امور مربوط به بیمه را تنظیم می نماید، قانون بیمه سال ۱۳۵۳ است این قانون شامل ۸ فصل و ۵۶ ماده است که در تاریخ ۱۳۵۳/۷/۱۰ توسط مجلس عالی وزراء تصویب گردید. ماده اول هدف وضع قانون را تنظیم امور مربوط به بیمه می داند و ماده دوم این قانون بیمه را تعریف نموده به گونه ای که «قراردادیست میان بیمه کننده و بیمه شونده که بموجب آن بیمه کننده جبران خساره طرف مقابل را متعهد می گردد.» طبق بند هفتم این قانون موضوع بیمه عبارت است از «حیات انسان در صورتی که معروض به مرگ و یا معلولیت گردد یا اشیاء، اجناس و ملکیت های که مواجه به آسیب و خساره شوند.» این قانون که انواع گوناگون بیمه را بیان کرده بود در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۲۳ ملغی و عوض آن قانون بیمه ملی افغان بداخل ۸ فصل و ۴۳ ماده در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۶ وضع و تصویب گردید.

قابل ذکر است که تغییر قوانین وابسته تغییر نظامات و حکومت ها در افغانستان بوده است و الا از لحاظ محتوایی تغییرات خاصی به منظور انکشاف و بهبود قوانین بوجود نیامده است. یعنی هر رژیمی که حاکم گردیده به نوبه خود از لحاظ شکلی اسم و نام قوانین را تغییر داده است و از لحاظ محتوایی وقتی وارد قوانین می شویم به ندرت بهبود و توسعه قوانین را مشاهده می کنیم. به هر حال، با روی کار آمدن حکومت داکتر نجیب الله قانون بیمه سال ۱۳۶۸ جایگزین قانون بیمه ملی افغان می شود. این قانون تا تحولات نوینی که پس از سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان بوقوع پیوست نافذ بود. و نیز باید یاد آور شد که فصل دوم باب چهارم قانون مدنی افغانستان مصوب ۱۳۵۵ که تا هنوز نیز نافذ می باشد از ماده ۱۶۴۴ تا ماده ۱۶۶۴ نیز به عقد بیمه اختصاص یافته است و در این قانون دو نوع از انواع بیمه را (بیمه حیات و بیمه حریق) بررسی می کند.

پس از تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ قوانین قبلی به تدریج تغییر یافت. به این اساس، فعلاً قانون بیمه سال ۱۳۸۷ نافذ است. ماده اول این قانون مبنای آن را چنین بر می شمرد «این قانون با رعایت حکم مندرج ماده دهم قانون اساسی افغانستان به منظور تنظیم امور مربوط به بیمه، وضع گردیده است.» و برابر ماده دوم این قانون اهداف این قانون عبارت اند از:

مصونیت حیات و فعالیت های اقتصادی و اجتماعی؛

جلب سرمایه گذاری در بخش های مختلف بیمه؛

ارتقای سطح عرضه خدمات بیمه.

برای برآورده شدن این اهداف، در مواد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ این قانون برای اشخاص داخلی و خارجی با رعایت شرایط خاص اجازه فعالیت در امور بیمه داده شده است.

گفتار دوم: ارکان و اوصاف عقد بیمه

عقد بیمه مانند هر عقد دیگر دارای ارکان و ویژگی‌های خاص خودش می‌باشد که این ارکان برای وجود این عقد و اوصاف آن برای تشخیص لازم و ضروری است. در این گفتار به ارکان و اوصاف این عقد پرداخته می‌شود.

الف) ارکان عقد بیمه

عقد بیمه دارای ارکانی می‌باشد که در ذیل بررسی می‌گردد.

۱. بیمه‌گر (بیمه‌کننده)

اولین رکن عقد بیمه، بیمه‌کننده است، بیمه‌کننده: کسی است که در قبال دریافت حق بیمه، متعهد می‌شود در مورد مقرر، سرمایه بیمه را به اقساط یا یکجا، به استفاده‌کننده پردازد. قانون بیمه در بند ۲ ماده ۳ بیمه‌کننده را چنین تعریف کرده است: «بیمه‌کننده: شخص حکمی است که مطابق احکام قانون تأسیس و جوازنامه فعالیت را از وزارت مالیه کسب می‌نماید». مطابق این ماده، شخص حقیقی نمی‌تواند به عنوان بیمه‌کننده قرار بگیرد، این صلاحیت تنها از آن شخص حکمی (شرکت‌ها) است، البته به شرطی که به همین منظور تأسیس و جوازنامه فعالیت خود را از وزارت مالیه اخذ نموده باشد.

۲. بیمه‌گذار (بیمه‌شونده)

دومین رکن از ارکان بیمه، بیمه‌گذار است که در واقع طرف دیگر قرارداد است. بیمه‌گذار بطور کلی شخصی است که مال یا جان یا سلامتی خود و شخص دیگری را با پرداختن مبلغی به عنوان حق بیمه، بیمه کند تا اگر خسارت بر مال او وارد شود، بیمه‌گر خسارت او را پردازد و اگر فوت نماید یا مصدوم شود سرمایه معین را بیمه‌گر به شخص و یا وارث یا شخص ثالث پردازد (مدنی کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). یا به عبارت کوتاه‌تر، بیمه‌گذار، کسی است که وجه بیمه را می‌پردازد (پرداخت‌کننده وجه به شرکت بیمه). بیمه‌گذار برعکس بیمه‌گر (که مطابق قانون بیمه افغانستان صرف شخص حکمی است) می‌تواند شخص حقیقی و حقوقی باشد و

برحسب مورد می‌تواند شخص حقوقی خصوصی و یا عمومی باشد بنابراین بیمه‌گذار ممکن است فرد یا شرکت تجارتی یا شهرداری و موسسه دولتی و یا یک انجمن باشد چنانکه بند ۴ ماده ۳ قانون بیمه افغانستان چنین آورده است که: «بیمه شونده: شخص حقیقی یا حکمی است که جهت اخذ یکی از انواع بیمه به نفع خود یا به نفع دیگری اصالتاً یا وکالتاً بیمه را عقد می‌نماید.» این ماده با عرف و عادت بیمه مطابقت دارد زیرا هر ذینفع می‌تواند برای بقاء اموال خود بیمه‌گذار واقع شود و حتی بر طبق این ماده، شخص می‌تواند به نمایندگی از طرف صاحب مال یا ذینفع تقاضای بیمه نماید معذلک هر کس نمی‌تواند مال متعلق به غیر را بیمه نماید زیرا همانطوریکه اشاره شد شخص باید ذینفع در بقاء آن باشد مانند مستأجر و یا مسؤول حفظ آن باشد مانند حافظ اشیاء توقیف شده یا انباردار (مدنی کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). بیمه‌گذار مسؤول ایفای تعهد منظور در قرارداد بیمه است یعنی اینکه باید نسبت به پرداخت به موقع حق بیمه اقدام نماید و تا زمانی حق البیمه را نپرداخته است در واقع بیمه‌گر در برابر بیمه‌گذار مسئولیتی نخواهد داشت. در این مورد ماده ۷ قانون بیمه بیان می‌دارد: «بیمه شونده طبق بیمه‌نامه، مکلف به پرداخت حق البیمه می‌باشد. طرز پرداخت حق البیمه از طرف بیمه‌کننده تعیین می‌شود. مسئولیت بیمه‌کننده در برابر بیمه شونده وقتی آغاز می‌یابد که حق البیمه از طرف بیمه شونده پرداخته شود، مگر اینکه در عقد طور دیگری موافقه صورت گرفته باشد.»

۳. بیمه شده (موضوع عقد بیمه)

عقد بیمه مانند عقود دیگر دارای موضوعی است که عقد بیمه بر مبنای آن واقع می‌شود بناً موضوع عقد بیمه کسی یا چیزی است که مورد بیمه واقع شده و در نتیجه هر چیزی را می‌توان بیمه نمود بدین شرط که آن شیء دارای ارزش سودمندی برای شخص باشد. موضوع بیمه گاهی مال است و گاهی شخص و گاهی مسئولیت مدنی فرد (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۶۲). در مورد موضوع بیمه بند ۷ ماده سوم قانون بیمه مقرر می‌دارد که موضوع عقد بیمه «حیات انسان و حیوان که معروض به مرگ یا معلولیت گردیده یا اشیاء، اجناس و ملکیت‌های مشتری است که مواجه به آسیب و خساره می‌شود.» در بیمه‌هایی نظیر بیمه آتش سوزی، حمل و نقل و سرقت، موضوع بیمه عین معین است که در خارج وجود دارد و در بیمه‌هایی نظیر تضمین تعهدات تجارتی، در واقع بیمه بیمه تعهد است که اگر طرف بیمه‌گذار تعهد خود را انجام نداده بیمه‌گر خسارت را به بیمه‌گذار بدهد یا بیمه‌گر تعهد می‌کند اگر مستأجر مال الاجاره را نپردازد، بیمه مال الاجاره بیمه‌گذار را بپردازد و همین طور بیمه، کلیه اسناد تجاری از قبیل چک، حجت (سفته) و برات را بیمه کند که به نام بیمه سوخت و سوز معروف است و اگر

در سررسید، متعهد نپردازد بیمه وجوه آنها را به بیمه گذار می پردازد (مدنی کرمانی، ۱۳۸۴، ص ۶۲) و در بیمه عمر فوت یا حیات بیمه شده، موضوع بیمه است.

۴. حق بیمه

یکی دیگر از ارکان عقد بیمه، حق بیمه است. حق بیمه عبارت است از مبلغی که بیمه گذار تعهد می کند آن را به نحوی که در قرارداد درج گردیده است به بیمه گر بپردازد به موجب بند ۵ ماده ۳ قانون بیمه افغانستان حق بیمه عبارت از: «وجهی است که بیمه شونده در مقابل عقد بیمه به بیمه کننده می پردازد.» حق بیمه در موقع تشکیل عقد بیمه حایز اهمیت است زیرا بیمه گر بایستی با توجه به آمار و اصول حساب احتمالات و ترتیبات فراوانی نرخ برای بیمه تعیین کند که هم بتواند با سایر بیمه گران رقابت کند و هم توازنی بین خسارت و حق بیمه های دریافتی باشد. مثلاً اگر فرض کنیم یک بیمه گر فقط به رشته آتش سوزی مبادرت کند بایستی مقدار خسارت احتمالی وارده را بطور کلی بداند و بر مبنای آن نرخ اعلام کند که هم متضرر نشود هم با نرخ سایر بیمه گران برابر باشد. البته در بیمه های مختلف تعیین نرخ بر حسب اوضاع و احوال و شرایط موضوع بیمه صورت می گیرد. و به قدری فنی و حساس است که می توان گفت بقاء و انحلال شرکت های بیمه بسته آن است.

بیمه گذار باید وجه بیمه را بپردازد بند ۱ ماده هفتم قانون بیمه مقرر می دارد که «بیمه شونده طبق بیمه نامه، مکلف به پرداخت حق البیمه می باشد. طرز پرداخت حق البیمه از طرف بیمه کننده تعیین می شود.» حق بیمه ممکن است به دو صورت سالانه و اقساط پرداخته شود اگر در جریان سال عقد بیمه فسخ شود نسبت به این سال، حق بیمه به بیمه گر داده نمی شود و اگر گرفته باشد باید پس بدهد زیرا اقساط بیمه غیر قابل تفویض و تجزیه است. عوامل مؤثر در حق بیمه بر سه عامل مبتنی است: ۱- احتمال وقوع حادثه، ۲- قیمت بیمه شده، و ۳- مدت بیمه. که در این صورت بیمه گر با احتساب و ارزیابی دقیق این سه عامل اقدام به تعیین حق بیمه نسبت به مورد بیمه خواهد نمود که در اصطلاح به آن حق بیمه خالص نیز می گویند (معزی و کیهان، ۱۳۷۰، ص ۳۷).

۵. خطر

خطر در بیمه عنصر اساسی است زیرا اصولاً پیدایش بیمه بخاطر خطراتی است که متوجه انسان یا اموال او بوده و یا می باشد مثلاً بیمه دریایی که قدیمی ترین بیمه ها است به علت خطراتی از قبیل غرق، آتش سوزی و به گل نشستن کشتی بوجود آمده است و همین طور به هر نوع بیمه که توجه نماییم ملاحظه می شود فلسفه ایجاد آن خطری است که موضوع بیمه را تهدید می کرده است. شناخت خطر، اولین گام برای مقابله با وقوع یا کاهش

دادن آثار زیان بار آن است. انگیزه اولیه انسان در اقدام به بیمه، جلوگیری از خطر و کاهش دادن آثار ناگواری است که از وقوع حادثه‌ای پدید می‌آید. بیمه در مورد موضوعات خطرزا و ریسک پذیر انجام می‌گیرد. حوادث بی‌خطر و بی‌ضرر بیمه پذیر نیستند و بیمه در چنین مواردی غیر عقلایی است و جنبه شرط بندی دارد (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۵۰-۵۳).

سقوط هواپیما، غرق شدن کشتی‌ها و نابودی و آسیب محموله‌های آن‌ها از جمله حوادث زیان باری اند که معمولاً آثار و عواقب نگران کننده اقتصادی، تولیدی و تجاری به دنبال دارند. حوادث ناگوار ممکن است هم مجموعه فعالیت‌های زندگی ما را در بعد فردی و اجتماعی با خطر روبرو سازند و هم سرمایه‌های ملی را. بیشتر فعالیت‌های انسان در شرایط مخاطره آمیز انجام می‌گیرند. آنچه سبب توجه بیشتر ما به خطرهای می‌شود، احتمال خطرهایی است که در قلمرو و عرصه فعالیت‌های اقتصادی، با ترس از خسارت‌های مادی و یا عدم اطمینان از تحصیل سود و یا هر دو رخ دهد.

قانون گذار افغانستان در ماده چهارم قانون بیمه انواع گوناگون خطرات تحت عنوان موارد بیمه آورده است که در آن می‌گوید: «بیمه در برابر حوادث و خطرات آتی صورت می‌گیرد:

حوادث و خطراتی که بر وسایط حمل و نقل هوایی، زمینی، بحری یا محموله‌های آن‌ها وارد می‌گردد.

حوادث و خطرات حریق و سرقت که صحت و سلامت جسمی را تهدید می‌نماید.

حوادث طبیعی غیر مترقبه (زلزله، سیلاب، طوفان و امثال آن).

تصادم وسایط نقلیه و حوادث ناشی از سیر آن‌ها و خطرات شخص ثالث.

حوادث و خطرات ناشی از کار در مؤسسات صنعتی، ساختمانی، خدماتی و امثال آن.

سرقت پول نقد و اتلاف آن در حین انتقال.

حوادث و خطرات ناشی از جنگ، تظاهرات، اعتصابات و اغتشاش.

بیمه مسافرت‌های زمینی، هوایی و بحری و خطرات ناشی از آن.

سایر حوادث و خطراتی که در آینده ضرورت بیمه نمودن آن‌ها، احساس گردد.»

هرچند قانون ما در این ماده موارد انواع گوناگون خطرات را برای ایجاد عقد بیمه بر شمرده است، اما نمی توان موارد بیمه را محصور و منحصر به موارد ذکر شده بدانیم، چنانکه بند نهم این ماده نیز به آن اشاره کرده است؛ چون ممکن است انواع خطرات دگر در آینده به وجود بیاید که نیاز به بیمه داشته باشد.

۶. ذینفع (استفاده کننده بیمه)

یکی دیگر از ارکان عقد بیمه ذینفع بیمه است. ذینفع بیمه به کسی گفته می شود که از ثمره ای قرارداد بیمه بهره مند می شود. این شخص از طرف بیمه شونده حق دارد هر شخصی را که مایل باشد به عنوان استفاده کننده به بیمه کننده معرفی کند. در یک قرارداد ممکن است، بیمه گذار، بیمه شده و استفاده کننده از بیمه یک نفر باشد مانند قرارداد بیمه مستمری باز نشستگی، همچنین ممکن است بیمه گذار و بیمه شده یک نفر باشد مانند اینکه پدری عمر خود را به نفع فرزندش بیمه کند و ممکن است بیمه گذار بیمه شده و استفاده کننده، سه شخص جداگانه باشند مانند اینکه مؤسسه ای (بیمه گذار) کارکنان خود (بیمه شدگان) را در برابر خطر فوت، به نفع افراد تحت تکفل آنان (استفاده کنندگان) بیمه نماید.

چنانکه در مورد بیمه گذار نیز آورده شد که قانون بیمه در بند ۴ ماده ۳ قانون بیمه گفته بود: بیمه گذار جهت اخذ یکی از انواع بیمه به نفع خود یا به نفع دیگری اصالتاً یا وکالتاً عقد بیمه را منعقد می کند. که در اینجا ذینفع را خود شخص یا دیگری را دانسته است، که همه موارد بالا را دربر می گیرد.

۷. غرامت (جبران خسارت)

یکی از ارکان بیمه، غرامت یا جبران خسارت است. غرامت وجهی است که بیمه گر در بیمه نامه تعهد به پرداخت آن می نماید. غرامت ماحصل و ثمره ای بیمه است (صادقی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۹-۲۷۰). قانون بیمه افغانستان در بند ۶ ماده ۳ با تعبیر جبران خسارت چنین می گوید: «جبران خساره: وجه نقد یا عوضی است که در صورت وقوع حادثه یا خطر و تثبیت خساره به بیمه شونده پرداخته می شود».

ب) اوصاف عقد بیمه

عقد بیمه که از جمله عقود معین است، دارای اوصاف و ویژگی های می باشد که از آن جمله می توان به رضایی، احتمالی، معوض، کتبی و الحاقی بودن آن اشاره کرد.

۱.۱. احتمالی

اولین وصف عقد بیمه ریسک یعنی خطر احتمالی است که بیمه‌گر، تعهد می‌کند در صورت وقوع و بروز حادثه ای غیر قابل پیش‌بینی شده خسارت وارده بر بیمه‌گذار را جبران نماید. بند ۱ ماده ۳ قانون بیمه افغانستان، در آن اشاره دارد.

۲. رضایی بودن

یکی دیگر از ویژگی‌های عقد بیمه رضایی بودن آن است که با توافق دو طرف تحقق می‌یابد. با توجه بر اینکه قرارداد بیمه بر اساس حسن نیت و اعتماد متقابل بیمه‌گذار و بیمه‌گر استوار است لذا رضای بیمه‌گر و بیمه‌گذار باید با تمام و کمال وجود داشته باشد و از عیب و نقص خالی باشد. از بند ۲ ماده ۶ قانون بیمه افغانستان استنباط می‌گردد که بیمه‌گر به منظور حصول رضای تمام و کمال و عاری بودن موضوع بیمه از عیب و نقص است. بنابراین تشریفات خاص، مانند آنچه که در فروش املاک غیر منقول و یا عقد نکاح موجود است را ندارد و بر وفق ماده ۵۰۹ قانون مدنی افغانستان هرگونه لفظ، فعل و اشاره را که مبین قصد و رضا طرفین باشد برای ابراز اراده کافی دانسته است.

۳. معوض

پرداخت حق بیمه، در عوض جبران خسارتی است که بیمه‌گر در صورت وقوع حادثه برعهده گرفته است. بنابر این هیچ یک از طرفین عقد، قصد هبه به یکدیگر را ندارند و هر یک متعهد به ایفاء تعهدات خویش می‌باشند. بنابراین، عقد بیمه مبتنی بر دو تعهد متقابل است یکی پرداخت حق بیمه که تعهد منجز است و باید بدون قید و شرط از سوی بیمه‌گذار انجام شود. دیگری تعهد معلق بیمه‌گر است که ایفاء آن مشروط به وقوع حادثه است. قانون بیمه افغانستان در بند ۱ ماده ۳ مقرر می‌دارد: «بیمه‌عقدی است که میان بیمه‌کننده و بیمه‌شونده که طور کتبی صورت گرفته و به موجب آن بیمه‌کننده در مقابل اخذ حق بیمه معین جبران خساره طرف مقابل را متعهد می‌گردد».

۴. کتبی

یکی دیگر از اوصاف عقد بیمه کتبی بودن آن است. چنانچه در بند ۸ ماده ۳ قانون بیمه افغانستان به عنوان بیمه نامه تذکر یافته است در آن گفته است که «بیمه نامه: سند حقوقی است که از طرف بیمه‌کننده بعد از قرارداد

بیمه به بیمه شونده تسلیم داده می‌شود». و بر اساس بند ۱ ماده ۶ قانون مذکور سند عقد بیمه (بیمه‌نامه) در دفتر بیمه کننده (شرکت‌های بیمه) ثبت می‌گردد.

۵. الحاقی

در قرارداد بیمه کلیه شرایط و آثار عقد از سوی بیمه‌گر تعیین شده است و بیمه‌گذار در مورد مفاد قرارداد بیمه نمی‌تواند اظهار نظر کند بنابر این، عقد بیمه عقدی اضطراری است که به بیمه‌گذار تحمیل می‌شود و این امر منوط به رضایت بیمه‌گذار است که با امضای قرارداد بیمه، تأیید می‌شود (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۳۳-۴۰).

گفتار سوم: عقد بیمه و اصل نسبی بودن قراردادها

مهم‌ترین سوال این تحقیق این است که عقد بیمه با اصل نسبی بودن قراردادها چه نسبتی دارد؟ آیا اصل نسبی بودن قراردادها در تمام انواع بیمه به صورت مطلق وجود دارد یا در برخی موارد آن از اطلاق خود افتاده است؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید در ابتدا انواع عقد بیمه را مشخص نمود؛ زیرا در برخی از انواع آن اصل نسبی بودن قراردادها بر اطلاق خود باقی است و در موارد دیگر این اصل نقض شده است. یا به عبارت دیگر بعضی از انواع عقد بیمه مطابق اصل نسبی بودن قراردادها و برخی دیگر استثنای بر آن می‌باشد.

در عرف امروز جهان، بیمه انواع گوناگونی دارد، که به طور معمول بیمه را بر حسب طبیعت و تکنیک و یا بر حسب موضوع آن‌ها بخش بندی می‌کنند. در تقسیم بندی متکی بر تکنیک و سرشت عملیات، بیمه‌ها را به بیمه‌های غرامتی (خسارتی) و بیمه‌های تشکیل سرمایه (سرمایه‌ای) تقسیم بندی می‌کنند. بر اساس این تقسیم بندی، همه بیمه‌های اموال (اشیاء) و بیمه‌های مسئولیت مدنی، جزء بیمه‌های غرامتی، و انواع بیمه‌های عمر، جزء بیمه‌های سرمایه‌ای می‌باشند. اما در تقسیم بندی بر حسب موضوع، بیمه‌ها را به سه نوع: بیمه‌های اموال، بیمه‌های اشخاص و بیمه‌های مسئولیت مدنی دسته بندی می‌کنند (صالحی و جانعلی، ۱۳۷۲، ص ۵۷).

در اینجا نیز با پیروی و الگوگیری از روش تقسیم بندی بیمه بر حسب موضوع، عقد بیمه را تقسیم بندی نموده و وجود اصل نسبی بودن قراردادها یا استثنا بودن بر آن را در هر کدام ارزیابی می‌کنیم.

الف) بیمه اموال

در بیمه اموال، موضوع تعهد بیمه‌گر، جبران خسارات وارد به شیء است. بیمه اموال قدیمی‌ترین انواع بیمه است و آن‌چنان که در تاریخچه بیمه مختصراً اشاره شد شروع بیمه با بیمه‌های در یابی بوده و تحول آن در

قرون هفده و هجده میلادی نیز در مورد بیمه‌های حوادث و آتش‌سوزی یعنی رشته‌های عمده بیمه اموال بوده است. هدف از بیمه اموال جبران خساراتی است که بیمه‌گذار مستقیماً از لطمه به اموال و دارایی خود تحمل می‌نماید از آنجا که این بیمه ریسک‌های بسیاری را که متوجه اموال مختلف بیمه‌گذار است تحت پوشش قرار می‌دهد تنوع و گسترش بسیار یافته است. بیمه بدنه اتومبیل، قطار، هواپیما و کشتی، بیمه حمل و نقل کالا، بیمه آتش‌سوزی و بلایای طبیعی و همچنین تمام خسارات متوجه اموال مانند دزدی، تگرگ، خرابی ماشین آلات، خرابی ناشی از ترکیدگی لوله و آب و ... تحت شمول بیمه خسارات قرار می‌گیرند (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۲۵). قانون بیمه افغانستان در بند ۷ ماده ۳ چنین اشاره می‌نماید: «موضوع بیمه... اشیاء، اجناس^۱ و ملکیت‌های مشتری است که مواجه به آسیب و خساره می‌شود.» بنابر اطلاق این ماده قانونی موضوع بیمه اموال، اعم از عین، منفعت و حق مالی است. در بیمه اموال، هدف بیمه جبران و حفظ سقف دارایی بیمه‌گذار است، چنانچه این دارایی، به لحاظ صدمه به اموال بیمه‌گذار کاهش یابد، بیمه‌گر مکلف به ترمیم کاهش دارایی خواهد بود.

مواردی که از قانون بیمه در ماده چهارم به عنوان موارد بیمه ذکر گردیده است (در بحث خطر ذکر شد) اگر نگاه ما به آنها نسبت به خود شخص بیمه‌کننده باشد، بدون توجه به مسئولیت شخص بیمه‌کننده نسبت به دیگران، این نوع بیمه از مصادیق بیمه اموال است.

به عنوان مثال: حوادث و خطراتی که بر وسایط حمل و نقل هوایی، زمینی و دریایی اتفاق می‌افتد، یا در اثر حوادث طبیعی غیر مترقبه (زلزله، سیلاب، طوفان و امثال آن) اموال بیمه‌شونده از بین می‌رود یا تخریب می‌شود و یا در اثر تصادم وسایط نقلیه شخص بیمه‌شونده صدمه می‌بیند و یا در اثر سرقت، پول نقد شخص صراف تلف می‌شود و یا حوادث و خطرات ناشی از جنگ، تظاهرات، اعتصابات و اغتشاش صدمه به اموال بیمه‌شونده وارد می‌سازد، در تمام اینگونه موارد اگر بیمه‌شونده هر کدام از این انواع عقود بیمه اموال را با بیمه‌کننده انعقاد کرده باشد، بیمه‌کننده در قبال جبران تلف و خسارات این اموال متعهد می‌باشد.

۱. شیء در لغت به معنای چیز و جمع آن اشیاء است و در فقه به موجود ثابت که هست آن در خارج محقق باشد شیء گویند. در فقه و حقوق دو مفهوم دارد (۱) مفهوم عام که به این معنا به هر آن چیزی که وجود داشته باشد شیء گویند. (۲) به آنچه که مالیت داشته باشد شیء گویند.

(انصاری و طاهری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۱۹۴)؛ در لغت نامه اشیاء جمع شیء به معنای چیز و هر موجودی آمده است و چیز از نظر علی اکبر دهخدا در مقابل شخص و لاشیء اطلاق می‌گردد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۱۴۶۳۴؛ مترجم: ساه، ۱۳۷۷، ص ۱۰۱۴).

۲. در فرهنگ لغت اجناس جمع جنس به معنای قسم‌ها، نوعها، گونه‌ها، کالاها و متاعها می‌باشد. (معین، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۱).

با توجه به اینکه در این نوع بیمه، جبران خسارت بیمه کننده فقط نسبت به اموال بیمه کننده می باشد، شخص ثالث را شامل نمی شود و عقد بیمه اموال در این صورت، از استثنائات اصل نسبی بودن قرار نمی گیرد.

ب) بیمه اشخاص

منظور از بیمه اشخاص تمامیت جسمانی بیمه گذار است که شامل زندگی، مرگ، خسارات جانی و بیماری می گردد در صورت تحقق هر یک از خطرات موضوع بیمه، بیمه کننده موظف است مبلغ مشخصی را که در قرارداد تعیین شده، فارغ از میزان خسارت یا آنچه در نظام حقوقی معادل جبران خسارت وارده لحاظ شده، به ذی نفع بیمه پرداخت نماید تعیین مبلغ قابل پرداخت عمدتاً توسط بیمه شونده صورت می گیرد. به همین دلیل برخی به جای بیمه اشخاص اصطلاح بیمه سرمایه را در این باره به کار برده اند (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۲۶)، قانون بیمه افغانستان در بند ۷ ماده ۴ چنین بیان می کند: «موضوع بیمه: حیات انسان و حیوان که در معرض به مرگ یا معلولیت گردیده یا اشیاء، اجناس و ملکیت های مشتری است که مواجه به آسیب و خساره می شود». طبق این قانون در طول حیات و زندگی انسان و حیوان خسارات که به بیمه شونده وارد می گردد بیمه کننده مکلف است آن را به بیمه شونده پرداخت نماید.

در بیمه های اشخاص، موضوع بیمه عبارت است از حیات یا سلامت شخص انسان، بر این اساس بیمه های اشخاص به بیمه درمان، بیمه حوادث اشخاص و بیمه های عمر قابل تقسیم است، برای اینکه بدانیم کدام نوع از این بیمه های اشخاص از جمله استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای قرار می گیرد، هر کدام از این انواع، مختصراً توضیح داده می شود:

۱. بیمه درمان

موضوع بیمه درمان عبارت است از جبران یا تأمین هزینه های درمان بیمه شده، در صورت بروز هر گونه بیماری یا حادثه برای بیمه شده.

۲. بیمه حوادث اشخاص

موضوع این نوع بیمه، پرداخت وجهی به عنوان سرمایه، و جبران هزینه های درمان، در صورت وقوع حادثه و ورود صدمه به جان فرد بیمه شده، می باشد (اعم از اینکه موجب فوت او شود یا نشود). این نوع بیمه، ترکیب ناقصی از بیمه های عمر و بیمه های درمان است و با هر کدام مشابهت ها و تفاوت هایی دارد.

۳. بیمه عمر

موضوع بیمه عمر، حیات یا فوت شخص بیمه شده است. در تعریف بیمه عمر گفته شده: بیمه عمر قراردادی است دو طرفه که به موجب آن بیمه کننده تعهد می کند که در ازای دریافت وجه یا وجوهی (پول) از بیمه شونده، سرمایه ای را یکجا یا به اقساط در صورت حیات یا فوت شخص معینی بپردازد. پوشش های اصلی این بیمه، مستمری دوران بازنشستگی و فوت بیمه شونده است. در واقع این بیمه پشتوانه ای برای دوران بازنشستگی و از کار افتادگی بیمه شونده یا بازماندگان پس از مرگ وی است.

از میان این سه نوع بیمه اشخاص، بیمه در مان و بیمه حوادث اشخاص نمی توانند به عنوان استثنای اصل نسبی بودن قراردادها قرار بگیرند؛ زیرا در این دو نوع بیمه پرداخت غرامت برای شخص بیمه شده صورت می گیرد و شخص ثالث در آن دخیل نیست، اما بیمه عمر یکی از مصادیق استثنائات اصل نسبی بودن قراردادها می باشد، البته زمانی که موضوع آن فوت شخص بیمه شده، باشد، زیرا با فوت او، غرامت برای شخص ثالث پرداخت می شود که بیمه ذکر شده است.

قانون مدنی افغانستان در ماده ۱۶۵۴ چنین صراحت دارد: «(۱) در بیمه حیات موافقه به پرداخت مبلغ بیمه باشخاص معین یا اشخاصیکه بعداً از طرف بیمه شونده تعیین می گردد، جواز دارد. (۲) اگر بیمه شونده در مقابله بیمه تذکر دهد که بیمه به نفع زوجه او یا اولاد او یا فروع او اعم از اینکه متولد شده یا هنوز متولد نگردیده یا به نفع ورثه او بدون ذکر نام آنها عقد شده است، بیمه به نفع استفاده کنندگان معین اعتبار داده میشود. در حالیکه بیمه به نفع ورثه بدون ذکر نام شان عقد شود، هریک از ورثه در آن به تناسب سهم میراث مستحق میگردد، گرچه از میراث تنازل نموده باشد.»

ج) بیمه مسئولیت

بیمه مسئولیت، قراردادی است که به موجب آن یک طرف (بیمه گر) در مقابل دریافت وجهی که حق بیمه نامیده می شود تعهد می کند اشخاصی را که بر اثر فعالیت خود ممکن است در مقابل دیگران مسئول شناخته شوند (بیمه گذاران)، خسارت زیان دیدگان را جبران کند (سلطانی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲). بنابراین در بیمه مسئولیت، بیمه گر مسئولیت مدنی بیمه گذار را در قبال اشخاص ثالث پوشش می دهد در واقع این بیمه بدهی ای را که در پی ایراد خسارت به غیر بر دوش بیمه گذار گذاشته شده تعهد می نماید (کریمی، ۱۳۷۹ ص ۳۳۴). در این مورد بیمه کاهش دارایی را که از ایجاد دین حاصل شده جبران می کند به همین دلیل به بیمه مسئولیت بیمه بدهی یا

بیمه دارایی منفی نیز اطلاق کرده اند. به عبارت دیگر، در بیمه مسئولیت بیمه گر متعهد به تأمین غراماتی می شود که در اثر فعل بیمه گذار به دیگران وارد می شود (بابایی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

به نظر برخی از حقوقدانان (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۶۳)، بیمه مسئولیت با تحلیل نهایی به یکی از دو نوع بیمه (بیمه اموال یا بیمه اشخاص) باز می گردد؛ چرا که در نتیجه، براءت از مسئولیت با پرداخت خسارت مالی یا بهای مال، یا پرداخت خسارت جانی (اعم از هزینه های پزشکی یا غرامت از کار افتادگی یا دیه) حاصل می گردد. منتهی اختلاف بیمه مسئولیت با دو نوع بیمه مذکور در این است که در دو نوع بیمه قبلی، بیمه گذار جان یا مال خود را در مقابل خطر بیمه می نماید، در حالی که در بیمه مسئولیت، بیمه گذار جان یا مال غیر را در مقابل خطری که مسئولیتش متوجه بیمه گذار است بیمه می کند.

در این جا می توان گفت که تمامی بیمه مسئولیت از جمله استثنائات اصل نسبی بودن قراردادهای بیمه شمار می روند؛ زیرا که اصلاً موضوع این نوع بیمه مسئولیت بیمه گذار در قبال جان یا مال شخص ثالث است و بیمه کننده باید غرامت این مسئولیت را به عهده بگیرد.

بندهای مختلف ماده ۴ قانون بیمه افغانستان می توانند از مصادیق این نوع بیمه قرار بگیرد، به عنوان مثال در بند پنجم آن ماده آمده است: «حوادث و خطرات ناشی از کار در مؤسسات صنعتی، ساختمانی، خدماتی و امثال آن» با این تحلیل که، مؤسسات صنعتی، ساختمانی و خدماتی که کارگران خویش را در قبال صدمات و خطرات ناشی از کارشان بیمه می کنند، و بیمه گذاران در قبال ضررهای ناشی از کار کارگران مسئولیت دارند و جبران این مسئولیت توسط بیمه کننده صورت می گیرد. در این مثال، کارگران هیچ کدام طرف قرارداد بیمه نیستند بلکه اشخاص ثالث محسوب می شوند، ولی در مقابل بیمه گر حق مستقیمی را در ازای زیانهای وارده کسب می کنند.

نمونه دیگر اینکه در بند هشتم ماده مذکور: «بیمه مسافرت های زمینی، هوایی و بحری و حوادث و خطرات ناشی از آن» را از موارد بیمه دانسته است، این مورد نیز می تواند از مصادیق بیمه مسئولیت باشد؛ زیرا در اینگونه موارد، متصدی های حمل و نقل زمینی، هوایی و دریایی که کارکنان خویش را بیمه می کنند، یا عقد بیمه ای را به نفع ارسال کننده کالا منعقد می سازند، این موارد نیز اشخاص ثالث در این قرارداد می باشند که بیمه گر باید غرامت آنها را پرداخت کند.

و نیز می‌توان برخی دیگر از این نمونه‌ها را نیز به عنوان بیمه مسئولیت ذکر کرد، در جایی که موضوع بیمه مسئولیت بیمه‌گذار در قبال اموال یا جان‌های دیگران باشد.

نتیجه‌گیری

در نتیجه این پژوهش می‌توان گفت: اصل نسبی بودن قراردادها در عقد بیمه نیز از اطلاق برخوردار نیست، بلکه موضوع برخی از انواع عقود بیمه اشخاص ثالث و یا اموال آنان می‌باشد، مقتضای عقد بیمه در بیمه عمر و بیمه مسئولیت این است که در آن شخص ثالث دخیل باشند و به عنوان ذینفع قرار بگیرند و این امر در جریان تحقیق اثبات شد که بیمه عمر اگر موضوع آن وفات شخص بیمه شده باشد، وجهی را که به منظور آن این عقد ایجاد شده است، بیمه‌کننده باید به اشخاص ثالث پردازد و نیز در بیمه مسئولیت این موضوع روشن شد که بیمه‌گذار مسئولیت خویش در قبال جان یا مال اشخاص ثالث را بیمه می‌کند که در صورت وقوع حادثه‌ای بیمه‌کننده خسارت‌های قابل رجوع به بیمه‌گذار را به بیمه شده پرداخت نماید، اما در بیمه اموال که موضوع آن مال خود بیمه‌گذار باشد، یا در بیمه عمر که موضوع آن حیات شخص است (بیمه پس انداز) و یا در بقیه موارد بیمه اشخاص، اصل نسبی بودن قراردادها حاکم و پابرجا می‌باشد. این موارد از مواد متعدد قوانین افغانستان به خصوص قانون بیمه قابل اثبات است.

منابع و مأخذ

اصول‌نامه تجارت افغانستان، مصوب ۱۳۳۶.

انصاری، مسعود، طاهری، محمد علی، دانش‌نامه حقوق خصوصی، تهران: جنگل/جاودانه، چ ۳، ۱۳۸۸.

بابائی، ایرج، حقوق بیمه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۷، ۱۳۸۷.

داعی الاسلام، سید محمد، فرهنگ نظام، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۶۲.

دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، موسسه انتشارات دهخدا/ دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۷۷.

سلطانی، نجیب‌الله، بررسی تطبیقی اصل نسبی بودن قراردادها در حقوق ایران و افغانستان، پایان‌نامه کارشناسی

ارشد حقوق خصوصی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۶.

السنهوری، عبدالرزاق احمد، دوره حقوق تعهدات، ترجمه الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، مترجمین: محمد حسین دانش کیا، سید مهدی دادرزی، قم، دانشگاه قم، چ ۱، ۱۳۸۲.

صادقی، محمود، تعهد به نفع شخص ثالث در حقوق فرانسه، انگلیس، ایران و فقه امامیه، تهران، امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۸۳.

صالحی، محمود؛ جانعلی، حقوق زیاندیدگان و بیمه شخص ثالث، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، تهران، نشر میزان، چ ۲۶، ۱۳۹۶.

قانون بیمه افغانستان، مصوب ۱۳۵۳.

قانون بیمه افغانستان، مصوب ۱۳۶۸.

قانون بیمه افغانستان، مصوب ۱۳۸۷.

قانون بیمه ملی افغان، مصوب ۱۳۵۸.

قانون مدنی افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.

قریب، محمد، واژه‌های نوین، تهران، انتشارات مروی، چ ۵، ۱۳۷۲.

کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱۱، ۱۳۹۲.

کریمی، آیت، کلیات بیمه، تهران، بیمه مرکزی ایران - پژوهشکده بیمه، چ ۵، ۱۳۷۹.

محمدی، محمد مهدی، حقوق بیمه مسئولیت و شخص ثالث، تهران، میزان، ۱۳۸۵.

مدنی کرمانی، عارفه، حقوق بیمه، تهران، انتشارات مجد، چ ۳، ۱۳۸۴.

معزی، فرهاد و کیهان، محمدرضا، عقد بیمه و سیر تحولات قوانین مربوط به آن در حقوق ایران، فصلنامه بیمه مرکزی ایران، سال ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۷۰.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، سپهر، چ ۲۰، ۱۳۸۲.

نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا)، فرهنگ نفیسی، تهران، خیام، ۱۳۴۳.